

شش کرور است و سمت اشملک سیصد و پنجاه فرسخ شصت طول و
دویست و پنجاه فرسخ عرض است و شهرهای مشهورش وارساء است
که جمعیتش یکصد و پست هزار است اطوال لیالی و ایامش شازده
ساعت و نیم است و کراکوء و دیناء و پارس و وی تنیک
و ماهی کیف و دینت زیک و لبرک و کیف است و رودخانه
مشهورش ویتولا و پرکل و میکل و دوناء و دینیر و

باک است

دیگر از ممالک اروپا ملک دینمک است

ولایت محتریت چهل فرسخ طول و پست و یک فرسخ عرض دارد
جمعیتش چهار کرور است سی و یک هزار شکر و پنج کرور مالیات
اینجا است چهل و شش کرور این دولت مقروض است و پانزده
شهر کوبن باکن است که جمعیتش شصت و یکصد و ده هزار است و طول

یاد و ایامش پیچیده ساعت دود دقیقه است و شهرهای معروف

گیل و آنتونه و البازک و وپرک و ویک است و از غراب

طیور آنجا عقاب بریت چنان قوی و تیز حرکت که بزغال و طغالی

دو ساله را از زمین سهولت میر باید

و متصرفی این دولت جزیره ایسر لند است که طویش شصت و پنج

و عرضش هشتاد فرسخت و سکنه این جزیره قریب هشتاد هزار نفرند

و حاکم نشین این جزیره قصبه و کجیه و کجیت که اطول لالی و ایامش

ست ساعت و نیم و سه دقیقه است و در این جزیره چند کوه است

فشانست که از قللهای اینجبال که اشد اوقات شدت آتش و دود

فلک شتعال دارد و کاهی بوع که بزبان ایطالیا عبارت از جهاد

که اشته سنیال باشد از اینجبال بسیارین مینماید در سنه هزار و صد و

شصت و هشت هجری تو و چنان جزایر بسیارند که سی فرسخ

راه رسید و چهارده فرسخ از عرض صحرا را فرود گرفته و عمیق آن سی و
شش زرع بود از این سیلاب آتش دوازده چشمه خشکیده و دور
قریه معتبر خراب گردید و اهلش بهلاکت رسید دیگر جزیره کرین است
که ساکنین آنجا شصت و شش هزارند و املا آنجا اکثر قصیر القام
و جزیره سنت کروا و شتاس و سنت جانست که در بند العرب است
و کنی که در ساحل غرب فرقیاست و تران کوی بر در بند و سنت
و اکنون پادشاه آنجا فرورد یک ششم است قریب بدوازده سال است
که جالس سیر سلطنت است و پنجاه و سه سال از عمرش میگذرد
بعد از این سلطنت از سنه یکصد و نود و نهم هجرت سلاطین ماضیه و
زمان سلطنت ایشان از بنقر است هرالد سی و هفت سال از یک
اول خجبال از یک دوم سی جبال کارمو پنجاه و سه سال هرالد
دوم پنجاه و یک سال سیون سی سال کنوت دوم است و دو سال

کینوت ششم یازده سال کنش سی و یکسال ایام فرت پنجسال
 هرالد سه سال کینوت چهارم شش سال الاسس چهارده سال
 اریک ششم هشت سال ایام فرت دو سال نیکولس اول سی و
 یکسال اریک چهارم دو سال اریک پنجم یازده سال سیوتن
 ششم ده ماه کینوت پنجم ده سال والدیر میت و شش سال کینوت
 ششم پست سال والدیر دوم چهل و یکسال اریک ششم نه سال
 اول دو سال کریس تو فر اول هفت سال اریک هفتم پست و
 هشت سال اریک هشتم سی و پنجسال کریس تو فر دوم چهارده سال
 ایام فرت هفت سال الاسس پنجم یازده سال فرگرت ده سال
 فرگرت و اریک نهم و اریک سیزدهم متحداً سلطنت نمودند و
 سال اریک نهم منفرداً پست و هفت سال ایام فرت دو سال
 کریس تو فر ششم هشت سال کریس تو فر اول سی و هشت سال

کریس

کرسی نهم پست و پنجسال فرود یک دوم سی سال کرسی نهم
چهارم شصت و دو سال فرود یک سیم پست و سه سال کرسی
نهم پنجم سی و سه سال فرود یک چهارم سی و یکسال کرسی نهم ششم
هفده سال فرود یک پنجم پست و یکسال کرسی نهم ششم هجده
سال قایم مقام پست و پنجسال قایم مقام مستقلاً و فرود یک
ششم سی و دو سال کرسی نهم هشتم نه سال فرود یک نهم سلطانست

دیگر مملکت و دولت سوید است

که رسید و پست فرسخ طول و رویت فرسخ عرض دارد جمعیت این
مملکت هشت کرور و یکصد و پنجاه هزار میشود و در و خانه معروفش
تاریخ و ده است پانجمش شهر استاک هم است که جمعیتش نزدیک
اطول بیاید و ایامش هجده ساعت و نیم است شهرهای معروفش
کانت برگ و اپن سن و کارنس کرونا و کرسی نهم و برجن

و در آن و ششم و نویسه و تارینه است در این مملکت حیوانیت شپه به
کوزن ولی اندک کوچک تر دست و پایش کلکش ترکه آنرا زین فر
میگویند از شیر و ماست در روغن و پوست آن با آب نجاشتنغ میشوند
و عراده کشی مینمایند و گویند چنان مربع الیتر است که شبانه روزی
هفتاد فرسخ طی مسافت میکند دیگر جانور است که آنرا کلاتون نامند که
در پر خواری معروفست و امانی فرنگستان مردم پر خوار را کلاتون
میگویند و اکنون پادشاهش اسکر است که اصلاً اهل فرانسه است
و قریب به شانزده سالست که سلطنت سلاطین و نشانه زوایان
این مملکت از نشانه مقصد و هشتمادونه از هجرت که مؤرخین فرنگستان
صنط و ثبت نموده اند باینقرار است هرگز و خرم پادشاه و نیمرک
کرئیس ترین ناز گشته و نس و زا اریک بن کشته و سوزا جان سیم
برادر اریک چارلس برادرش هجده سال سلطنت کرد و پسرش

گشته و سوز

کشته و سس ز او نفس پست و چهار سال کریس تنبها و شکر کشته و سس پست
شش سال چارلس دو از و هم پست و بحال الیگا ایونا خواهر چارلس
پست و سه سال او نفس فردریک پست سال کشته و سس نیم پست
پست و دو سال کشته و سس چهارم هفتده سال چارلس سیزدهم
و ده چارلس جان برنذوت پست و پنج سال دیگر

قسمت نهم افریقا است

وسعت این قسمت طولش از شمال جنوب شصت و یک هزار و شصت فرسخ
عرضش از مشرق مغرب یک هزار و پانصد فرسخ از طرف محاط به بحر
محیط است مگر از سمت مشرق که معنی الارض که با صطلح فرنگان
ایتمس نمایند بقسمت آسیا متصل میگردد و عرض این غنق الارض
پست فرسخ است و معروف با ایتمس سوس است که از بنا در مملکت
مصر است و خط استوا از وسط این قسمت میگذرد چون اکثر مواضع

این قسمت در تحت منظره حازه وقت این سبب و تهمه پادشاهی بی
آب و ریگ زار و مسموری و آبادی انقیامت از سایر اقسام که تر است
اگر چه بواسطه عدم سیاحت و مسافرت در همه مواضع این قسمت
مهندسین فرستادند تا از اطلاع حقیقی نیست بقرینه وقایع و سیس و سنجیده
همه جمعیت آنجا را یکصد و هشتاد و شش کرده و در همین کرده اند و چون
عالم ممالک انقیامت سیاه و سبز است و مذہب این کشور اکثر لامذہب
و جماد پرست و بعضی نصاری و یهود و قلیلی اهل اسلام که بیشتر آن
اهل سنت و جماعت و جزوی شیعه زیدی و اسمعیلی و اثنا عشری است

از ممالک افریقا مملکت مصر است

و جمعیت همه آنجا یک بیست کرده است جزو سلطنت آن عثمان است و پادشاه
آنجا کنون سعید پادشاه پسر محمد علی پادشاه است که حال قریب بیست
سال است که پادشاهی آن مملکت است و شهرهای مشهور این مملکت قاهره

که پادشاهت

که پانزدهت و سیصد و پنجاه هنر جمعیت دارد و طول بسیار و ایست
چهارده ساعت است در نزدیکی این شهر قریه غیره است که اهرام
مشهور دنیا در آنجا است و این اهرام از جمله عجایب است معجزانه و نیاست
و عدد آنهاست بزرگترین یکصد و چهل نزع ارتفاع دارد و عرض
قاعده آن از هر طرف دو لیت و پست نزع است چنان سنگها
عظیم را بر روی هم نصب نموده اند که مثل خیره و چشم از دیدن ترس
میشود آنچه تا اکنون در این اهرام دیده اند بجز اجساد اموات و
اشخوان پوسیده چیزی نیافته اند و در نزدیکی این اهرام صورت
زرد از یک پا رجه سنگ عظیمی ساخته اند که از کمر بالا صورت زشت
و چهار دست و پای او مثل حیوان است که بر زمین گسترده شده بیشتر
این سنگ الآن در یک پنجاه است که قدری از پشت آن نمایان
ارتفاع کله آن هشت نزع متجاوز است چنانکه آن بلند است و در نزع و

نیم است درازی همه صورت درایت پنجم از فرع و نیم متجاوز است
 طول و شش سینه زده زرعت دیگر شش است که در زیره درشید و در میان
 و سوسیس است و قوس و قفط و اسبوط و منقلوط و رودخانه مشهور این
 ملک رودخانه نیل است که از جنوب شمال میاید و در سکنه زیره
 بدریا متصل میشود و نصف فرسخ طول این رودخانه است و باران در
 آن ولایت بسیار و مکرر پس اتفاق و آنهم بسیار کم حیوانات غریبه نهنگ
 یکی نهنگ است که شباهت بسوسمار دارد و چهار دست و پای آن بسیار
 کوتاه و پشت آن مثل ماهی فلس دارد بسیار سخت و صلب که هر چه در
 آن کار کرینت و در خشکی شخم میکند از رود طول این جانور شش فرع
 متجاوز است دیگر حیوان آن آب که از اریور مار سر کوبند که فرس الجربند
 از کا و بزرگ تر و کریمه المنظر است کاهی از رود نیل خارج شده در
 حوالی چرامنیاید و دیگر جانور است که از اموش مصری کوند و قدر کرب

و پنی او شباهت بکرازو دم او سپید بود با هست شخم نکت را هر جا
به بند می کشند دیگر حیوانست که با اصطلاح فرنگان و را کلیون گویند به
بزرگه شده است هر از لونی تغییر می کند و بستن شاق هوا از مدکانی
می کند عجایب تکانه دنیا که ذکر شده یکی این است دوم بولوست
که در جزیره رودس از ممالک دولت عثمانی در صورتی در س در س
نود سال قبل از عیسی علیه السلام ساخته بودند و پای های آن را در دو طرف
بندرگاه جزیره نصب نموده که جہازات بزرگ از میان پای های آن می گذشت
ارتفاعش چهل و پنج ذراع بوده از آن گشت تا آنکه آتش محرف و خان نظری
داشتند که در پنجه بگله آتش صعود و نزول می شده در سینه چاه و دو
که این جزیره بتصرف اسلام در میان صورت شکسته را با جری از یهودین مبلغ
هشتاد و شش هزار تومان فروخته اند سیم گویند بانا است که در صحرای
مسمی به ایازلوک شهر از سر در سوانق از منته ساخته بودند طول این چخانه

صد و پست هفت نزع و عرض شصت و پنج نزع بوده یکصد و پست
و هفت ستون از شک مرمر داشته که هر یک هجده نزع ارتفاع داشته
پست هزار نفر راحت در آن کسب ممکن جلوس داشته اند چهارم
مناره فروس است که جزیره کو حکیت مقابل شهر اسکندریه از مرمر
مناره ساخته بودند که شبها بالای آن آتش روشن میکردند که چهار
بحر بروشنائی آتش بجانب اسکندریه حرکت نمایند ارتفاع آن یک
صد و پست نزع بوده چهار صد و پنجاه هنر از تومان مخارج آن کرده
دو است و شتاد سال قبل از عیسی نبطی پسر پادشاه مصر ساخته بود
پنجم قلعه شهر بابل بوده که عرضش مثابه بوده که کاکه چهار سبزه آن
گروشن میکرد و عجایب دیگر بنظر خپان عجیب جلوه کر نیاید که درکش
پردازد چنانچه دیوار معروف چین و تحت جمشدر اشم و هفتم
از عجایب هفت گانه شانزده سید نخواهد بود دیگر از عجایب

افریقا مملکت برهت

که طولش هفتصد فرسخ و عرضش صد و هفتاد فرسخ است جمعیت هم این
مملکت چهل و هفت کرو است چندین ملک است اول مراکش
دوم فریم الحسینر چهارم تونس پنجم طرابلس اما ملک
مراکش و فرطوش شینا صد و هفتاد فرسخ و عرضش هفتاد و هشت
سویست کرم و اراضیش حاصل خیر است پانزده شهر مراکش است
که جمعیتش شیناسی هزار است و طول لیالی و ایامش چهار و ستاد
سه دقیقه است و قصبات معروفش فوج مسکوی ز بندر
مؤکدار الکذیر سیلی ترژونت عد و نفوس این مملکت شینا
پست و هشت کرو است پادشاه این ملک در نهایت تسلط و
واقدر است چنانچه رعایا را بندگان ز خرید خود میداند و
خود را از ذرّه پنجه آخر الزمان میبارزند و پادشاه شریف میکنند

اما مملکت الحجز

یعنی الجزیره طول این ولایت شصت و پنج مایه و سه فرسخست جمعیش
تقریباً هفت کروڑ است دراضیش حاصل خیزولی کشتی درلم نیرع
میباشد و پانچم شهر الحجز است اطول لیالی و ایامش چهارده است
ویم است و قببات مشهورش بوجیه و ستوره و بونه و لاکه
و کوسن طینه و تمسان است و این مملکت الان بتصرف دولت فرانسه
اما ملک تونس طول این مملکت شصت و پنج مایه و هفت فرسخ و پانچم
سابق پانچم شهر کرج بوده که اکنون خراب است و حال پانچم شهر
تونس است که جمعیش شصت و یک مایه و سی هزار است اطول لیالی
و ایامش چهارده ساعت و نیم است و نفوس همه این ملک تقریباً
شش کروڑ است و فرما زوایان این ملک را که میخوانند
که مخفف یک باشد و قببات معروفش قروان قابس

نامہ ہمدیہ سوسہ صفاست بزرگ است و این ملک
در حمایت دولت عثمانیہ باشد اما مملکت طرابلس طولی است
تخمیناً دویست و ہفتاد فرسخ و عرضش چاہ فرسخت پنجمین شہر طرابلس
کہ اطول لیالی و ایامش چہار روزہ ساعت و یازدہ دقیقہ است
و جزو مملکت عثمانیہ باشد حکام آنجا را پاشا گویند ولایت برفہ
تخمیناً ہفتاد و فرسخ طول و عرضش چاہ فرسخت و اکثر اراضی بار
و وادی عنبردی زرعست جزو طرابلس است و جبال معروف
بر برستان جبال طلس است کہ از حدود مصر تا بحر اقیانوس
دارد قریب بہ ہفتصد فرسخ طول اوست دیگر بلاد بحر ہند است
یعنی ولایت نخلستان کہ از نواح ممالک بربری است و در
جنوب ولایات اچیزدونس واقع شدہ و ارضیات آن
ولایت اطلاع صحیح حاصل شدہ دیگر از ممالک افریقا ملک

نوبه است که حد شمال او مصر و حد جنوبی حبشه و مشرق بحر الاحمر و مغرب
بیابان کویر است تا تحت این ملک شهر مرکه است که بنود کلّه نمر گویند
اطول لیاله و اباشس سیزده ساعت و هشت دقیقه است و طیار
مشهورش ستار و کرمی و دار فور است که قصبه اش کویر گویند

دیگر از ممالک افریقا ملک حبشه است

این ملک ولایت وسیعی میباشد از طرف شمال متصل بولایت نوبه است
و از جانب جنوب بولایت عدل اتصال میابد بواسطه آنکه هست بر آنجا
مکر در آن کن پست و در آنجا زیاد گرم میشود و جانور غریبه این ملک کردن
و شناخت که در نهایت فراوانست پاست این دولت شهر
غذراست که اطول لیاله و اباشس دوازده ساعت و پنج دقیقه است
و در وقت با قهر مصر بر ابری میاید چنانچه گویند یکصد کلیسای
شهر است و مذہب عموم ساکنین این بخش عیسویت و زبان اماره

عشبه مخلوط با زبان عربست سلطنت و فرمانروای این مملکت موروثی
و باقدار است و قصبات معروفش از دوه مسوه کتبوت است
اتما ملک عدل که در جنوب مشرق عصبه است مجال محترست
ایاله آنجا مسلمانند محصول آنجا کدوم و ارزق و کسدر و کفست
و قصبه آنجا زیله است که در کنار دریا واقعست و در جنوب اینوست
قصبه مکدیشه است که قصبه مضبوط نموده اند و محل معامله و تجارت
ایاله آن سامانست دیگر از افریقا ملک زنجبار است که زنجبار
و بلاد آنج نیز گویند این ملک هم خالی از وسعت نیست و لا اکثر
باطلاق و غیر مسکونت هواش گرم و ناسازگار است و ایاله آنجا
بعضی مذہب اسلام دارند و برخی کفارند و حسی صفت باره
میباشند اکثر چادر نشین و صحر اگر دند از نیولایت عاج و طلا
و موم و ادویه طبابت و برنج و شکر بجا میسزد دولت پور کال

در ساحل این ولایت قلعه ساخته و کلیسای چند بنا کرده اند و این ملک
از خط استوا تا یازده درجه جنوبی و قسمت در جنوب این ملک ولایت
موزمبیک است و معنی دارد و مسکن قبایل مختلفه بومیان آنجا است و
قصبه اش را نیز موزمبیک گویند اطول لیا له و ایاتش سیزده
ساعت و هشت دقیقه است اراضی این ولایت حاصل خیز و بزرگ
ظلامت دارد و اغلب معاطله این ولایت کنیز و غلام است و لای
کیلوزر لایت موگر بجا مقتس موزمبیک است اما لای این ولایت
بجسب ادب و انسانیت از همه سایر یکان خود برترند هوای این ولایت
بالتبیه خوبست معادن طلا و لغت سره در این ولایت موجود است و قصبه
این ولایت راسته نامند دیگر از آن فرقا ملک سوفاله است درین
ولایت معدن طلا بسیار است و له معاطله کلی آنجا عاجست
و دیگر از آن فرقا ولایت سنگیه و ولایت ساحل غله و ولایت ساحل علج

و ولایت ساحل طلا و بعضی ولایات دیگر که هر یک عالمی و رسمی از
خود دارند بعضی مسلمان و بعضی کافرند ساحل غله ولایت سمیت
امال آنجا اغلب بلند بالا و خوشسایا بخلاف سایر امال افریقا میباشند
معاملات آنولایت اکثر فلفل و عاج و برنج است ساحل عاج در شرق
ساحل غله است و ساحل طلا در شرق ساحل حاجت و اغلب
معاملات ایندو ساحل مناسبت اسم ایشانست درین سواحل
اغلب میوهجات کرمسیری و غده فراوانست و پاخت نیولایت
کومسی گویند که نشمین پادشاه آنجا است دیگر از افریقا ولایت هویت
امال اینولایت بسیار رشید و جویباشند پادشاه نیز در حال سلطه
و اقدار است دیگر ولایات و محالات بونگو، کلونگو، کانگو، نیگولا
نیگولاست هوای ولایت بشدت گرم و بغرباناسازگار است
معاملات کل آنجا عاج و نمک و آهن و تنباکو و خرما و نمک و فلفل است

سه مجال و ولایت اخیری تحت تصرف دولت پورتگالست
این ولایات سه گانه تقریباً دو سیت فرسخت دیگر از افریقا ملک
کافرستانست که چندین طایفه قبیله درین ملک سکنا دارند و
هر طایفه محکوم حاکمی از خود میباشند بسیار قوی بکلی ورشیده و مردان
لوان ایشان بایل سواد و مویهای آنها چون سایر بیگان محمد مردان
این ملک شکار و سایر امورات مشغول امورات زراعت محول
بزمانست اغلب چادر نشین یا ازنی و چوب خانه ترقیب میدهند
دیگر از افریقا ولایت موتن بانیس است اما لای این ملک بخلاف عکس
اما لای کافرستان قصیر القاء و حقیر کجبه میشوند مثل حیوانات
در کھوف و مغارات اغلب بمریبرزند و دیگر از افریقا ملک بی
چوانس است اما لای این ولایت با هموش و دلاور و در امور است
دنیا لای بضمیمه نباشند با غستان در ایملک فراوان فرسوده و غنله

نیز و افر و قصبه آنجا را الکو کویند که مشتمل بر یازده هزار نفوس است
و قصبه دیگر تینی کویند دیگر از افر قیایان وسط است که تخمیناً
بمقتصد فریح در هفتصد فرسخ است در وسط این بیابان دریاچه است
که بفتا و فریح تخمیناً طول آنست محالات و ولایات چند در اطراف
آن دریاچه است که معتبر و معروفش فرزآن کویند که اکثر حاصل
آنجا انجیر و خرما و انار است و پاتخت آنجا قصبه مرز و کت که اطول
لیال و آیمش سیزده ساعت و سی و هفت دقیقه است دیگر
ولایت بارتود است که ولایت آباد محمود است و قصبات معروف
آنجا نیورن و کوکه است دیگر تک هوسه است و پاتخت آنجا شهر
سکو است که اطول لیال و آیمش دوازده ساعت و چهل و شش دقیقه است
و پادشاه ایملک مسلمانست و معاملات آنجا خاک طلا و کبر و غیره کویند
و پوست بز رنگ کرده است و قصبه دیگر شس کویند دیگر از افر قیایان

تبوتواست که شهرش نیز بهین اسم موسوم است و جماعت آن شهر
 تخمیناً پنجاه هزار است و تجارتخانه خانه افریقا است و معادن آنجا کثرت
 عاج و طلا بسیارند و ناهای غلب آن از نوب است و طول
 این ملک تخمیناً سیصد فرسخت و در صحرا و بیابان آنجا بخان آدم خوانند
 بسیار است و جزایر متعلقه با آنجا جزیره معروف و بزرگش ماد
 سکر و بوریان و ماری سس که فرس باشد و جزیره مدید و جزایر کنا
 که حالات باشد و جزایر کپ و ریذ و کنی و سنت طیه و کوانو
 و سقوطه است اما جزیره ماد که یکبار جزایر عظیمه و نیاست طول تخمیناً
 سیصد و میت فرس و عرضش ششاد فرسخت بخوبی آب و هوا و
 و مرغزارهای حشم با صفا و جنگلهای خوب و صحراهای مرغوب
 مشهور و معروفست این جزیره است که قدما جزیره انجمنش ضبط نموده اند
 و جمیعت آنجا از فرار که امانی و نیای شمالی شخص و ملت نموده اند که در

دو است هزار است ساکنین آنجا سفید رنگ و سبزه و سیاه لون
پاشند بعضی بدین اسلام و برخی نبود و کفار است که تپش
و پرستش اشجار و صنایع و آهن و اجبار نمایند و بچک اردو
فرمانستان درین جزیره توطن و شمیم مزارند دولت فرانس در
آنجا قلعه بنا نهادند اما به جزیره مانع گشته نگذاشتند قهاریان
و طیور و انواع میوه جات و نباتات زیاد و موفور است معادن
سنگهای قیمتی و آهن و سرب و قلع نیز پیدا میشود و آب سردی
این جزیره از دوازده درجه خط استوا تا بیست و شش درجه جنوبی امتداد
دارد و سلطنت این جزیره موروثی میباشد و حال پادشاه این جزیره
یک فرزند است که حسب الارث سلطنت و پادشاهی این جزیره
قبضه نموده است که اطول ایام او ایش شصت و هفت
واقعه است و جمعیتش با زده هزار است و قصبات و بزرگش

و آنچه در وقت بود است حالات سایر جزایر فرقیانی در ضمن متصرفات دولت
 فرنگستان مجامع گردیدند قسمت رابع امریکاست که سینه کی دنیا گویند
 وسعت این قسمت طولش که هشتاد و پنج و عرضش هزار و دویست
 سی و سه فرسخت در میان دو دریای بزرگت که محیط آنستیک
 از سمت مشرق فیما بین سیاه دنیا و اوپل و قسمت و بحر بعلبک از جانب
 مغربش فاصله با بند و سمان و سایر ممالک آسیا باشد و این
 قسمت دو قطعه زمین است که فیما بین آنها یک شعبه از دریای خزر است
 که از یک سمت که بایک عنق الارضی که بیت فرنج عرض دارد متصل
 میشوند و میانه بند و حصه جنوبی و شمالی جزایر چند و قسمت که به نسبت
 اقاله آنجزایر و محصولات آنجا که با بند و سمان شباهت تمام دارد
 آنرا هند اعزب می نامند و با دریای عمیق قطعه شمالی از سمت شرقی و
 زیاده از هفتده فرسخ دریا فاصله دارد و قطعه شمالی اما شش فرسخی چون

و دلیر و درازنوی میشوند اما در حصه جنوبی نیز همین صفات متصف و

بهیون و لاغر اندامند از جمله حیوانات غریبه که درین قسمت پیدا میشود

یک لاله است که جانوریت شبیه بشر و از شتر کوچکتر است و بان بار کله

میباشد چنانچه زیاده از قوه حمل منبذ کرده میگردد اما دامی که

تحریف و بیند ساکت میشود وقت قش که اشکری که مملکت

سبده است و شش بحیره عظیم در قطعه شمالی این قسمت است اول و بی

یک که هفتاد و فرسخ طول و سی فرسخ عرض دارد و دوم سوپریر که یکصد

سی فرسخ طول و پنجاه فرسخ عرض و دویست و هفتاد و نوزده عمق است

سیتم حکین که صد و فرسخ طول و بیست و پنج فرسخ عرض و سیصد و نوزده

عمق است چهارم هوزان که شصت و فرسخ طول و بیست و فرسخ عرض و سیصد

و نوزده عمق است پنجم آرای که نود و فرسخ طول و بیست و فرسخ عرض و سیصد

و نوزده عمق دارد ششم آن آرای که شصت و فرسخ طول و بیست و فرسخ